



The Analysis of Religious-Mystical Themes in “Wis & Ramin”

(A Romantic Poetry book) by Fakhruddin Asad Gorgani

***Ali Ahmad Shirazi

**Yousif Rasoli

***Asim Javed

Abstract:

The poetry book "Weiss and Ramin," authored by Fakhruddin Asad Gorgani in the 5th century of Hijri, embodies romantic themes that trace back to the pre-Islamic era. Despite its roots, being written during the Islamic period, the poet deliberately and inadvertently infused Islamic theory and knowledge into his compositions. Quranic allusions, quotations, and particularly religious-mystical motifs resonate significantly throughout the work. Fakhruddin Asad Gorgani strategically incorporates religious and mystical elements, often directly linked to Quranic verses, thereby imparting an Islamic essence to his poetry. This theoretical study employs a descriptive-analytical approach to explore the role of religious-mystical themes in "Weiss and Ramin," extracting and analyzing these motifs and their correlation with Quranic verses.

Keywords: Religious-Mystical Themes, Weiss and Ramin, Asad Gorgani

تحلیل مضامین دینی- عرفانی در منظومه عاشقانه ویس و رامین فخرالدین اسعد گرگانی

* علی احمد شیرازی

** عاصم جاوید

*** یوسف رسولی

چکیده:

منظومه غنایی ویس و رامین در قرن پنجم هجری توسط فخرالدین اسعد گرگانی سروده شده است. این منظومه عاشقانه در اصل به دوره قبل از اسلام بر می گردد؛ اما چون در دوره اسلامی سروده شده است، شاعر به صورت آگاهانه و ناآگاهانه از علوم و معارف اسلامی، در اثر خود بهره برده است. تلمیحات و اشارات قرآنی و بالخصوص مضامین دینی- عرفانی بازتاب قابل توجهی در این اثر دارد. فخرالدین اسعد گرگانی، با گنجاندن مضامین دینی و عرفانی که گاه ارتباط مستقیم با آیات قرآن دارد، رنگ و بوی اسلامی به اثر خود بخشیده است و شاید از این طریق، می خواسته مقبولیت اثرش را در میان مردم افزایش دهد. این پژوهش نظری با روش توصیفی- تحلیلی ضمن بحث پیرامون جایگاه مضامین دینی- عرفانی در ویس و رامین، این مضامین و اشارات را در این اثر استخراج کرده است و آن مطالب را با آیات قرآنی تطبیق و تحلیل نموده است.

واژگان کلیدی: مضامین دینی- عرفانی، ویس و رامین، اسعد گرگانی

* استاد یار گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه سرگودا، سرگودا پاکستان aliahmadshirazi@gmail.com
** دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه بین المللی امام خمینی. قزوین، ایران. asimsjavaids999@gmail.com
*** دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه بین المللی امام خمینی. قزوین، ایران. rasoolihaa@gmail.com

1. زندگی نامه فخرالدین اسعد گرگانی

فخرالدین اسعد گرگانی از شاعران بنام ایران است که در اواخر قرن 4 و نیمه نخست قرن 5 می‌زیسته است. وفات او را با توجه به قراین موجود، بین سالهای 446 ق/ 1054 م – 455 ق/ 1063 م دانسته‌اند. او نخست در گرگان می‌زیست، سپس عازم عراق و ری شد و در زمره شاعران دربار طغرل بیک سلجوقی (429-455 ق/ 1038-1063 م) در آمد. (حکیمیان، 1357: 309)

او مانند شاعران و عالمان زمانه خود، از اکثر علوم متداول عصر از جمله فلسفه، کلام و نجوم بهره داشت و اصطلاحات این علوم را در اشعار خود به کار برده است. فخرالدین، داستان عاشقانه ویس و رامین را که نخستین منظومه عاشقانه در تاریخ ادبیات ایران است از روی اصل پهلوی آن، به نظم در آورده است و از اینجا مشخص است که او به خوبی با زبان پهلوی آشنایی داشته است. این داستان به قول مینورسکی، استاکلبرک و دکتر محجوب، از افسانه های کهنسال ایرانی زمان اشکانیان بود که تا این عصر هنوز از داستانهای مشهور و زبانزد خاص و عام بود. البته مؤلف «مجله التواریخ و القصص» داستان ویس و رامین را منتسب به عهد شاپور و اردشیر بابکان دانسته است. ولی به هر حال با توجه به قرائنی چون اسامی شخصیتها، امکن، ازدواج خواهر و برادر و تاثیر ستارگان بر سرنوشت انسانها که از تعلقات فکری ایرانیان قبل از اسلام است، تعلق این داستان به ایران باستان، پذیرفتنی است. (ر.ک: محجوب، 1337: 12)

1.1. نگاهی به منظومه عاشقانه ویس و رامین

او این داستان را بنا به توصیه و تشویق عمیدالدین ابوالفتح مظفر نیشابوری، حکمران اصفهان به نظم در آورده است. این منظومه، از آنجا که یک داستان کهن ایرانیست و از آنجا که ناظم آن به بهترین نحو، از عهده نظم آن برآمده و اثر خود را با رعایت جانب سادگی به زیور فصاحت و بلاغت آراسته است، به زودی مشهور و مورد قبول واقع گشت؛ اما در دوره های بعد و البته پس از سروده شدن داستان های منظوم نظامی و مقلدان وی و به دلایلی از جمله مخالفت مواردی از این منظومه با اصول و آموزه های اسلامی (ازدواج با محارم، تقدس آتش و ...) از شهرت و رواج آن کاسته شد؛ اما با این حال تا اوایل قرن هفتم، داستانی مشهور و مورد علاقه بود. (ر.ک: صفا، 1347، ج2: 372-373 و زرینکوب، 1374: 72-73)

«اشعار او همه طبیعی و از هرگونه تکلف خالی است. در تعبیرات، تشبیه و استعاره به تقلید از گذشتگان پایبند نیست و رعایت قواعد علم قافیه را چندان لازم نمی‌داند. به جز مثنوی مشهور ویس و رامین، اشعار متفرقه، يك قطعه در شکایت از ثقة‌الملک نامی و يك رباعی، از دیگر آثار او هستند. (فروزانفر، 1350: 365) او ظاهراً در اشعار خود، فخري تخلص می‌کرده است، زیرا هر جا فرهنگ‌ها اشعاري از وي شاهد آورده‌اند، نام او را فخري گرگاني نوشته‌اند. (محجوب، 1337: 12)

1.2. خلاصه داستان ویس و رامین

خلاصه داستان ویس و رامین بدین شرح است که در جشنی، شاه کهنسال مرو «شاه موبد» با دیدن «شهر» ملکه زیبای «ماه آباد» که زنی میانسال و دارای همسر بوده است، عاشق او می‌شود و پس از اظهار عشق به او طی ماجراهایی، شهر با شاه عهد می‌بندد که اگر صاحب دختری شد، او را به همسری شاه در آورد. شهر پس از مدتی دختری به نام «ویس» زائید و با زیر پا گذاشتن عهدهی که بسته بود، او را به برادر ویس «ویرو» داد. شاه موبد، از این اتفاق آگاه می‌شود و به ماه آباد لشگرکشی می‌کند و در نهایت شاه موبد، برادر خود، رامین را برای آوردن ویس به ماه آباد می‌فرستد؛ اما در راه، رامین با دیدن ویس، عاشق او می‌شود. ویس با شاه موبد ازدواج می‌کند در حالی که او نیز عشق رامین را در سر می‌پروراند. شاه موبد با آگاهی از عشق ویس و رامین، آن دو را تهدید می‌کند؛ اما رامین نمی‌تواند دست از عشق ویس بردارد و در نهایت، رامین به ناچار به شهر دیگری می‌رود و با دختری به نام «گل» ازدواج می‌کند تا عشق ویس را فراموش کند؛ اما موفق به این کار نمی‌شود. رامین پس از نامه‌نگاری با ویس، تصمیم می‌گیرد در فرصتی مناسب به مرو لشگرکشی کند و قدرت را تصاحب کند و ویس را به دست بیاورد؛ اما قبل از این اقدام، شاه موبد می‌میرد و بدین ترتیب، شهر بدون جنگ و خونریزی به دست رامین می‌افتد. ویس و رامین با هم ازدواج می‌کنند و سال‌ها با هم زندگی می‌کنند تا اینکه ویس می‌میرد و رامین با غم و اندوه فراوان، مجاور آتشکده کنار دخمه ویس می‌شود تا اینکه پس از مرگش، او را نیز در دخمه ویس می‌گذارند.

2. مضامین دینی- عرفانی در منظومه عاشقانه ویس و رامین

درست است که منظومه ویس و رامین عاشقانه است و در ادب غنایی جایگاه ویژه ای دارد اما در این منظومه بعضی جاها مضامین دینی- عرفانی هم به چشم آدم می‌خورد. فخر الدین اسعد گرگانی یک مردی مسلمان است و در قرن پنجم هجری می‌زیست. وی بی‌دی فاضل و عالم بود و در منظومه ویس و رامین از علوم مختلف بهره برده است. یکی از آن علوم عل قرآن و حدیث است که در منظومه ویس و رامین به شکل مضامین دینی- عرفانی خیلی زیاد بازتاب یافته است و ما در این مقاله بعضی از آنها را در پنج بخش ذیل منقسم کردیم.

- مضامین مربوط به خداوند منان.

- مضامین مربوط به حضرت ختمی مرتبت (ص).

- مضامین مربوط به انبیاء.

- مضامین مربوط به اخلاق حسنه.

- مضامین مربوط به باورهای دینی.

2.1. مضامین مربوط به خداوند منان

سپاس و آفرین آن پادشا را که گیتی را پدید آورد و ما را (اسعد گرگانی، 1337: 01)

زمان از وی پدید آمد به فرمان به نزد برترین جوهر ز گیهان

بدان جایی که جنبش گشت پیدا وز آن جنبش زمانه شد هویدا

مکان را نیز حد آمد پدیدار میان هر دوان اجسام بسیار (اسعد گرگانی، 1337: 02)

شعرهای فوق اشاره دارند به آیه قرآن

وَهُوَ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ وَكَانَ عَرْشُهُ عَلَى الْمَاءِ لِيُبْلُوَكُمْ أَيُّكُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا وَلَئِنْ قُلْتُمْ مَبْعُوثُونَ مِنْ بَعْدِ الْمَوْتِ لَيَقُولَنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا إِنْ هَذَا إِلَّا سِحْرٌ مُبِينٌ.

ترجمه: و اوست کسی که آسمانها و زمین را در شش هنگام آفرید و عرش او بر آب بود تا شما را بیازماید که کدام يك نیکوکارترید و اگر بگویی شما پس از مرگ برانگیخته خواهید شد قطعا کسانی که کافر شده اند خواهند گفت این [ادعا] جز سحری آشکار نیست. (سوره هود آیت 7)

خداي پاک و بي همتا و بي يار هم از اندیشه دور و هم ز دیدار

نه بتواند مرو را چشم دیدن نه اندیشه درو داند رسیدن (اسعد گرگانی، 1337: 01)

در شعر فوق دیده می شود که شاعر بیانگر بی همتایی خداوند است و این عقیده را از قرآن مجید گرفته است.
لَا تُدْرِكُهُ الْأَبْصَارُ وَهُوَ يُدْرِكُ الْأَبْصَارَ وَهُوَ اللَّطِيفُ الْخَبِيرُ.

ترجمه: چشمها او را در نمی یابند و اوست که دیدگان را درمی یابد و او لطیف آگاه است (سوره آل عمران آیت 103)

نشانید وصف او گفتی که چون است که از تشبیه و از وصف او برون است

به وصفش چند گفتی هم نه زیباست که چندی را مقادیرست و احصاست

کجا وصفش به گفتن هم نشاید که پس پیرامنش چیزی بیاید (اسعد گرگانی، 1337: 01)

خداوند بی مثل است و بی نظیر، شعرهای بالا بیانگر این مضمون اند. شاعر این مفاهیم را بعضی از آیه های قرآن گرفته است.

مَا اتَّخَذَ اللَّهُ مِنْ وَلَدٍ وَمَا كَانَ مَعَهُ مِنْ إِلَهٍ إِذَا لَدَّهَبَ كُلُّ إِلَهٍ بِمَا خَلَقَ وَلَعَلَّ بَعْضُهُمْ عَلَى بَعْضٍ سُبْحَانَ اللَّهِ عَمَّا يُصِفُونَ.

ترجمه: خدا فرزندی اختیار نکرده و با او معبودی [دیگر] نیست و اگر جز این بود قطعا هر خدایی آنچه را آفریده [بود] باخود می برد و حتما بعضی از آنان بر بعضی دیگر تفوق می جستند منزله است خدا از آنچه وصف می کنند (سوره المومنون آیت 91)

أَلَا إِنَّهُمْ مِنْ إَفْكِهَمْ لَيَقُولُونَ.

ترجمه: هشار که اینان از دروغ پردازی خود قطعا خواهند گفت. (سوره الصافات آیت 151)

فَاطْرُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ جَعَلَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا وَمِنَ الْأَنْعَامِ أَزْوَاجًا يَذْرُوكُمْ فِيهِ لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ وَهُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ.

ترجمه: پدیدآورنده آسمانها و زمین است از خودتان برای شما جفتهایی قرار داد و از دامها [نیز] نر و ماده [قرار داد] بدین وسیله شما را بسیار می گرداند چیزی مانند او نیست و اوست شنوای بینا (سوره الشوری آیت 11)

به وصفش هم نشاید گفت کی بود کجاستش را مدت نپیمود

و گر کی بودن اندر وصفش آید پس او را اول و آخر بباید (اسعد گرگانی، 1337: 01)

ذات خداوند از ازل است و آخر هم ندارد، همه چیز در جهان فنا می یابد غیر از ذات خداوند، اسعد گرگانی این مطلب را در شعر به خوبی سروده است و این مطلب را در آیه قرآن اینگونه یافت:

هُوَ الْأَوَّلُ وَالْآخِرُ وَالظَّاهِرُ وَالْبَاطِنُ وَهُوَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ.

ترجمه: اوست اول و آخر و ظاهر و باطن و او به هر چیزی داناست. (سوره حدید آیت 03)

نه با چیزی بیپوسته ست دیگر که پس باشند در هستی برابر (اسعد گرگانی، 1337: 01)

وَلَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ.

ترجمه: و هیچ کس او را همتا نیست. (سوره اخلاص آیت 04)

به نور خویش ایشان را بیاراست وزیشان کرد پیدا هر چه خود خواست (اسعد

گرگانی، 1337: 02)

خداوند دادار همه مخلوقات را آفریده و ذاتش خالق است، این مضمون از آیه قرآن ذیل گرفته شده است.

صِرَاطُ اللَّهِ الَّذِي لَهُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ تَصِيرُ الْأُمُورُ.

ترجمه: راه همان خدایی که آنچه در آسمانها و آنچه در زمین است از آن اوست هشدار که [همه] کارها به خدا بازمی گردد. (سوره الشوری آیت 53)

نه با وی دیگری انبار گیریم نه جز گفتار او چیزی پذیریم (اسعد گرگانی، 1337: 06)

که قوت را پدید آورد بی یار به هستی نیستی را کرد قهار (اسعد گرگانی، 1337: 02)

که داند کرد این جز کردگاری که یاور نیستش در هیچ کاری (اسعد گرگانی، 1337: 188)

شعرهای فوق اشاره دارند به:

وَقُلِ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَمْ يَتَّخِذْ وَلَدًا وَلَمْ يَكُنْ لَهُ شَرِيكٌ فِي الْمُلْكِ وَلَمْ يَكُنْ لَهُ وَلِيٌّ مِنَ الذَّلِّ وَكَبِّرْهُ تَكْبِيرًا.

ترجمه: و بگو ستایش خدایی را که نه فرزندی گرفته و نه در جهاندارای شریکی دارد و نه خوار بوده که [نیاز به] دوستی داشته باشد و او را بسیار بزرگ شمار. (سوره الاسرا آیت 111)

وَلَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ.

ترجمه: و هیچ کس او را همتا نیست. (سوره الخلاص آیت 4)

فروغ نور ظلمت را ز دودی پس این کون و فساد ما نبودی (اسعد گرگانی، 1337: 02)

نو ظلمات در مصرع اول اشاره است به

اللَّهُ وَلِيُّ الَّذِينَ آمَنُوا يُخْرِجُهُم مِّنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ وَالَّذِينَ كَفَرُوا أُولِيَاؤُهُمُ الطَّاغُوتُ يُخْرِجُونَهُم مِّنَ النُّورِ إِلَى الظُّلُمَاتِ أُولَٰئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ.

ترجمه: خداوند سرور کسانی است که ایمان آورده اند آنان را از تاریکیها به سوی روشنایی به در می برد و [لی] کسانی که کفر ورزیده اند سرورانشان [همان عصیانگران=] طاغوتند که آنان را از روشنایی به سوی تاریکیها به در می برند آنان اهل آتشند که خود در آن جاودانند. (سوره بقره آیت 257)

بزرگا کامگارا کردگارا که چندین قدرتش نبود مارا

چنان کس زور و قوت بی کرانست عتابخشی و جودش همچنانست (اسعد گرگانی، 1337: 02)

به قدرت آفرید اندازه گیری ز دادار جهان قدرت پذیری (اسعد گرگانی، 1337: 03)

قدرت در شعرهای فوق اشاره دارد به آیه قرآن

إِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ.

خداوند بر هر چیز تواناست. (سوره بقره آیت 20)

و همچنین

أَوَلَمْ يَرَوْا أَنَّ اللَّهَ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ قَادِرٌ عَلَىٰ أَنْ يَخْلُقَ مِثْلَهُمْ وَجَعَلَ لَهُمْ أَجَلًا لَا رَيْبَ فِيهِ فَأَبَى الظَّالِمُونَ إِلَّا كُفُورًا.

ترجمه: آیا نمی‌دانند خدایی که آسمان‌ها و زمین را آفریده، قادر است مثل آنان را بیافریند (و به زندگی جدید بازشان گرداند)؟! و برای آنان سرآمدی قطعی که شکی در آن نیست، قرار داده است، اما ظالمان جز کفر و انکار را پذیرا نیستند. (سوره اسرا آیت 99)

در این عالم نه چنان بود فرمان که اول گشت پیدا گوهر از کان (اسعد گرگانی،

1337: 04)

خدای متعال فقط اراده می کند و آن چیز تخلیق می شود این مضمون شعر اشاره است به:

إِنَّمَا أَمْرُهُ إِذَا أَرَادَ شَيْئًا أَنْ يَقُولَ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ.

ترجمه: چون به چیزی اراده فرماید کارش این بس که می گوید باش پس [بی درنگ] موجود می شود. (سوره یس آیت 82)

نبات عالم و حیوان و گوهر سراسر آدمی را شد مسخر (اسعد گرگانی، 1337: 04)

مصرع دوم اشاره دارد به آیه ذیل

اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَأَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَخْرَجَ بِهِ مِنَ الثَّمَرَاتِ رِزْقًا لَكُمْ وَسَخَّرَ لَكُمُ الْفُلْكَ لِتَجْرِيَ فِي الْبَحْرِ بِأَمْرِهِ وَسَخَّرَ لَكُمُ الْأَنْهَارَ.

ترجمه: خداست که آسمانها و زمین را آفرید و از آسمان آبی فرستاد و به وسیله آن از میوه ها برای شما روزی بیرون آورد و کشتی را برای شما رام گردانید تا به فرمان او در دریا روان شود و رودها را برای شما مسخر کرد. (سوره ابراهیم آیت 32)

مکن تشبیه او را در صفاتش که از تشبیه پاکیزه ست ذاتش

بگفتم آنچه دانستم ز توحید خدای خویش را تمجید و تحمید (اسعد گرگانی، 1337: 05)

همان طور که قبلا هم گفته شده است که خداوند منان بی مثل و بی نظیر است و ذات او یکتا و بی همتا است و این شعرها هم به این مطلب اشاره دارند.

قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ. اللَّهُ الصَّمَدُ. لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ. وَلَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ.

ترجمه: بگو اوست خدای یگانه. خدای صمد ثابت متعالی. کسی را نزاده و زاده نشده است. و هیچ کس او را همتا نیست. (سوره اخلاص آیات 1 تا 4)

سه طاعت واجب آمد بر خردمند که آن هر سه به هم دارند پیوند

از یشانست دل را شاد کامی وزیشانست جان را نیک نامی

دل از فرمان این هر سه مگردان اگر شواهی که یابی هر دو گیهان

بدین گیتی ستوده زندگانی بدان گیتی نهشت جاودانی

یکی فرمان دادار جهانست که جان را زو نجات جاودانست

دوم فرمان پیغمبر محمد که آن را کافی بی دین کند رد

سیم فرمان سلطان جهاندار به ملک اندر بهای دین دادار (اسعد گرگانی، 1337: 07)

خداوند متعال در سوره مائده سه اطاعت را ذکر می نماید و در شعر فوق سه اطاعت اشاره است به همان مطلب قرآنی سوره مائده.

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ فَإِنْ تَنَازَعْتُمْ فِي شَيْءٍ فَرُدُّوهُ إِلَى اللَّهِ وَالرَّسُولِ
إِنْ كُنْتُمْ تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ ذَلِكَ خَيْرٌ وَأَحْسَنُ تَأْوِيلًا.

ترجمه: ای کسانی که ایمان آورده اید خدا را اطاعت کنید و پیامبر و اولیای امر خود را [نیز] اطاعت کنید پس هر گاه در امری [دینی] اختلاف نظر یافتید اگر به خدا و روز بازپسین ایمان دارید آن را به [کتاب] خدا و [سنت] پیامبر [او] عرضه بدارید این بهتر و نیک‌تر است. (سوره النسا آیت 59)

2.2. مضامین مربوط به حضرت ختمی مرتبت (ص)

به فصل خویش یزدان رحمت آورد ز رحمت نور در گیتی بگسترد (اسعد گرگانی، 1337: 05)

ذات حضرت محمد (ص) رحمت است و ایشان برای عالمین رحمت هستند. خداوند در قرآن کریم پیامبر را به عنوان رحمت و مهربانی‌ای که همه جهانیان را در بر می‌گیرد و نیز به چندین صفت از جمله داشتن خلق عظیم ستوده است که اسعد گرگانی در ابیات متعددی در کتاب ویس و رامین خود به این مضمون قرآنی تکیه و تأکید کرده است به گونه‌ای که از نظر بسامد هیچ یک از اشارات گرگانی به پیامبر اعظم (ص) به این مضمون نمی‌رسد و این مطلب در آیه ذیل قرآن اینگونه مطرح شده است:

وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا رَحْمَةً لِّلْعَالَمِينَ.

ترجمه: و تو را جز رحمتی برای جهانیان نفرستادیم. (سوره انبیا آیت 107)

بر آمد آفتاب راست گویان خجسته رهنمای راه جویان

حجیت سخن رسول صادق (ص) مصدق که با موضوع عصمت انبیا (ع) نیز پیوند خورده از مسائل دیرین کلام اسلامی است. اشارات اسعد گرگانی بر مصادیق خلق عظیم در وجود پاک حضرت رسول (ص) مبتنی و مستند به آیات قرآن کریم است چنانکه در بیت زیر با تلمیح به آیاتی از قرآن کریم کلام پیامبر امی را منزّه از هرگونه گمراهی و هوای نفس معرفی کرده است:

مصرع اول اشاره به آیه وَمَا يَنْطِقُ عَنِ الْهَوَى (سوره نجم آیت 3)

و همچنین اشاره است به

وَإِذْ أَخَذَ اللَّهُ مِيثَاقَ النَّبِيِّينَ لَمَا آتَيْنُكُمْ مِنْ كِتَابٍ وَحِكْمَةٍ ثُمَّ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مُصَدِّقٌ لِمَا مَعَكُمْ لَتُؤْمِنُنَّ بِهِ وَلَتَنْصُرُنَّهُ قَالَ أَأَقْرَرْتُمْ وَأَخَذْتُمْ عَلَىٰ ذَلِكُمْ إِصْرِي قَالُوا أَقْرَرْنَا قَالَ فَاشْهَدُوا وَأَنَا مَعَكُمْ مِنَ الشَّاهِدِينَ.

ترجمه: و [یاد کن] هنگامی را که خداوند از پیامبران پیمان گرفت که هر گاه به شما کتاب و حکمتی دادم سپس شما را فرستاده‌ای آمد که آنچه را با شماست تصدیق کرد البته به او ایمان بیاورید و حتماً یاریش کنید آنگاه فرمود آیا اقرار کردید و در این باره پیمانم را پذیرفتید گفتند آری اقرار کردیم فرمود پس گواه باشید و من با شما از گواهانم. (سوره آل عمران آیت 81)

چراغ دین ابوالقاسم محمد رسول خاتم و یاسین و احمد (اسعد گرگانی، 1337: 05)

نبوت به پیامبر اسلام (ص) ختم شده و امت و پیروان ایشان نیز امت آخرالزمان و از جهت انتساب به ایشان خاتم الاقوام هستند:

مَا كَانَ مُحَمَّدٌ أَبَا أَحَدٍ مِنْ رِجَالِكُمْ وَلَكِنْ رَسُولَ اللَّهِ وَخَاتَمَ النَّبِيِّينَ وَكَانَ اللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمًا.

ترجمه: محمد پدر هیچ يك از مردان شما نیست ولی فرستاده خدا و خاتم پیامبران است و خدا همواره بر هر چیزی داناست. (سوره الاحزاب آیه 40)

نبوت را بدو داده دو برهان یکی فرقان و دیگر تیغ بران (اسعد گرگانی، 1337: 05)

در قرآن مجید اسم دیگر قرآن فرقان هم مطرح شده است که در شعر فوق اسعد گرگانی هم این مضمون را در بر می گیرد.

تَبَارَكَ الَّذِي نَزَّلَ الْفُرْقَانَ عَلَى عَبْدِهِ لِيَكُونَ لِلْعَالَمِينَ نَذِيرًا.

ترجمه: بزرگ [و خجسته] است کسی که بر بنده خود فرقان [کتاب جداسازنده حق از باطل] را نازل فرمود تا برای جهانیان هشداردهنده ای باشد. (سوره فرقان آیت 01)

مِنْ قَبْلُ هُدًى لِلنَّاسِ وَأَنْزَلَ الْفُرْقَانَ إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا بِآيَاتِ اللَّهِ لَهُمْ عَذَابٌ شَدِيدٌ وَاللَّهُ عَزِيزٌ ذُو انْتِقَامٍ.

ترجمه: پیش از آن برای رهنمود مردم فرو فرستاد و فرقان [جداکننده حق از باطل] را نازل کرد کسانی که به آیات خدا کفر ورزیدند بی تردید عذابی سخت خواهند داشت و خداوند شکست ناپذیر و صاحب انتقام است. (سوره آل عمران آیت 04)

سخن گویان از آن خیره بماندند هنر جویان بدین جان برفشاندند

کجا در عصر او مردم که بودند فصاحت با شجاعت می نمودند

سخنشان در فصاحت آبدارست هنرشان در شجاعت بیشمارست (اسعد گرگانی، 1337: 05)

در مصرع اول شعر اول سخن گویان از آن خیره بماندند اشاره است به:

أَمْ يَقُولُونَ افْتَرَاهُ قُلْ فَأْتُوا بِسُورَةٍ مِثْلِهِ وَادْعُوا مَنِ اسْتَنْطَعْتُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ.

ترجمه: یا می گویند آن را به دروغ ساخته است بگو اگر راست می گویند سوره ای مانند آن بیاورید و هر که را جز خدا می توانید فرا خوانید. (سوره یونس آیت 38)

ز جنگ دیو بد گوهر برستند بتان مکه را در هم شکستند (اسعد گرگانی، 1337: 06)

وقتی مکه توسط مسلمانان فتح شد آن موقع رسول خدا (ص) همه بتان مکه را شکستند و آیه ذیل نازل شد:

وَقُلْ جَاءَ الْحَقُّ وَزَهَقَ الْبَاطِلُ إِنَّ الْبَاطِلَ كَانَ زَهُوقًا.

ترجمه: و بگو حق آمد و باطل نابود شد آری باطل همواره نابودشدنی است. (سوره اسرا آیت 81)

به نور دین ز دوده گشت ظلمت

وز ابر حق فرو بارید رحمت

بدین دین همایون کاو به ما داد

بدین رهبر که بهر ما فرستاد (اسعد گرگانی، 1337: 06)

وقتی رسول اکرم (ص) حج را انجام دادند و خطبه حجت الوداع خواندند آیه ذیل نازل شد که در شعر فوق بازتاب یافته است:

الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتِمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَرَضِيتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ دِينًا فَمَنِ اضْطُرَّ فِي مَخْمَصَةٍ غَيْرَ مُتَجَانِفٍ لِإِثْمٍ فَإِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ.

ترجمه: امروز دین شما را برایتان کامل و نعمت خود را بر شما تمام گردانیدم و اسلام را برای شما [به عنوان] آیینی برگزیدم و هر کس دچار گرسنگی شود بی آنکه به گناه متمایل باشد [اگر از آنچه منع شده است بخورد] بی تردید خدا آمرزنده مهربان است. (سوره مایده آیت 03)

رسول آمد رسالتها رسانید

جهانی را ز خشم او رهانید

چه بخشاینده و مشفق خدا بیست

چه نیکو کار و چه رحمت نمایست

که بر بیچارگی ما ببخشد

رسولی داد و راه نیک بنمود (اسعد گرگانی، 1337: 06)

شعرهای فوق اشاره دارند به چند تا آیات قرآن چون:

إِنَّا كُنَّا مِنْ قَبْلُ نَدْعُوهُ إِنَّهُ هُوَ الْبَرُّ الرَّحِيمُ.

ترجمه: ما از دیرباز او را می خواندیم که او همان نیکوکار مهربان است. (سوره طور آیت 28)

لَقَدْ مَنَّ اللَّهُ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ إِذْ بَعَثَ فِيهِمْ رَسُولًا مِنْ أَنْفُسِهِمْ يَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَإِنْ كَانُوا مِنْ قَبْلُ لَفِي ضَلَالٍ مُبِينٍ.

ترجمه: به یقین خدا بر مؤمنان منت نهاد [که] پیامبری از خودشان در میان آنان برانگیخت تا آیات خود را بر ایشان بخواند و پاکشان گرداند و کتاب و حکمت به آنان بیاموزد قطعاً پیش از آن در گمراهی آشکاری بودند (سوره آل عمران آیت 164)

پذیرفتیم وی را به خدایی

رسولش را به صدق و رهنمایی (اسعد گرگانی، 1337: 06)

رسول خدا (ص) صادق و امین بودند و این مضمون برگرفته از آیه ذیل قرآنی است:

وَإِذْ أَخَذَ اللَّهُ مِيثَاقَ النَّبِيِّينَ لَمَا آتَيْتُكُمْ مِنْ كِتَابٍ وَحِكْمَةٍ ثُمَّ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مُصَدِّقٌ لِمَا مَعَكُمْ لَتُؤْمِنُنَّ بِهِ وَلَتَنْصُرُنَّهُ قَالَ أَأَقْرَضْتُمْ عَلَىٰ ذَلِكُمْ إِصْرِي قَالُوا أَفَرَرْنَا قَالَ فَاشْهَدُوا وَأَنَا مَعَكُمْ مِنَ الشَّاهِدِينَ.

ترجمه: و [یاد کن] هنگامی را که خداوند از پیامبران پیمان گرفت که هر گاه به شما کتاب و حکمتی دادم سپس شما را فرستاده ای آمد که آنچه را با شماست تصدیق کرد البته به او ایمان بیاورید و حتماً یاریش کنید آنگاه

فرمود آیا اقرار کردید و در این باره پیمانم را پذیرفتید گفتند آری اقرار کردیم فرمود پس گواه باشید و من با شما از گواهانم. (سوره آل عمران آیت 81)

نه با وی دیگری انبار گیریم نه جز گفتار او چیزی پذیریم (اسعد گرگانی، 1337: 06)

حضرت محمد (ص) از خود سخن نمی گویند اما هر چه بر آنها وحی می شود همان به مردم می گویند. این مطلب شعر اشاره دارد به آیه قرآن ذیل:

وَمَا يَنْطِقُ عَنِ الْهَوَىٰ. إِنْ هُوَ إِلَّا وَحْيٌ يُوحَىٰ.

ترجمه: و از سر هوس سخن نمی گوید. این سخن بجز وحیی که وحی می شود نیست. (سوره نجم آیت 3 و 4)

مزن کردار ما را بر سر ما -مکن پاداش ما را در خور ما

که ما بیچارگان تو خداییم همیدون ز امتان مصطفاییم

اگر چه با گناه بی شماریم -به فضل و رحمت امیدواریم

ترا خوانیم و شاید گر بخوانیم که ما ره جز به در گاهت ندانیم

کریمی تو بخوان ما را به در گاه -چو خوانیمت به زاری گاه و بیگاه

ضعیفانیم شاید گر بخوانی -گنجهکاریم شاید گر نرانی

ز تو نشگفت فصل و بردباری چنان کز ما جفا و زشتکاری

ترا احسان و رحمت بیکرانست شفیع ما همیدون مهربانست

چو پیش رحمت آید محمد -امید ما ز فضلت کی شود رد (اسعد گرگانی، 1337: 06-07)

امت اسلام که فرزندان معنوی پیامبر (ص) به شمار می آیند، به اعتبار مسلمانی خویش قرابت و نسبت ویژه ای با ایشان پیدا می کنند.

این قرابت از یکسو باید منجر به پیروی و الگو گیری از منش پیامبر باشد و از سوی دیگر مسلمین را در معرض شفاعت و دستگیری حضرت ختمی مرتبت (ص) در دنیا و آخرت قرار می دهد:

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَابْتَغُوا إِلَيْهِ الْوَسِيلَةَ وَجَاهِدُوا فِي سَبِيلِهِ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ.

ترجمه: ای کسانی که ایمان آورده اید از خدا پروا کنید و به او [توسل و] تقرب جوید و در راهش جهاد کنید باشد که رستگار شوید. (سوره مایده آیت 25)

وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ رَّسُولٍ إِلَّا لِيُطَاعَ بِإِذْنِ اللَّهِ وَلَوْ أَنَّهُمْ إِذْ ظَلَمُوا أَنْفُسَهُمْ جَاءُوكَ فَاسْتَغْفَرُوا اللَّهَ وَاسْتَغْفَرَ لَهُمُ الرَّسُولُ لَوَجَدُوا اللَّهَ تَوَّابًا رَحِيمًا.

ترجمه: و ما هیچ پیامبری را نفرستادیم مگر آنکه به توفیق الهی از او اطاعت کنند و اگر آنان وقتی به خود ستم کرده بودند پیش تو می آمدند و از خدا آمرزش می خواستند و پیامبر [نیز] برای آنان طلب آمرزش میکرد قطعا خدا را توبه پذیر مهربان می یافتند. (سوره نسا آیت 64)

2.3. مضامین مربوط به انبیاء

2.3.1. حضرت یوسف (ع)

برادران حضرت یوسف (ع)، حضرت یوسف (ع) را در چاه انداختند و بالاخره ایشان از چاه به مصر انتقال یافتند و در بازار فروخت شدند. این مطلب در قرآن حکیم هم ذکر شده است و در منظومه ویس و رامین اینگونه مطرح می شود:

گهی رامین چو یوسف بود در چاه گهی مانده عیسی بود بر ماه (اسعد گرگانی، 1337: 189)

فَلَمَّا ذَهَبُوا بِهِ وَاجْمَعُوا أَنْ يَجْعَلُوهُ فِي غِيَابَتِ الْجُبِّ وَأَوْحَيْنَا إِلَيْهِ لَتُنَبِّئَنَّهُمْ بِأَمْرِ هَذَا وَهُمْ لَا يَشْعُرُونَ.

ترجمه: پس وقتی او را بردند و همدستان شدند تا او را در نهانخانه چاه بگذارند [چنین کردند] و به او وحی کردیم که قطعا آنان را از این کارشان در حالی که نمی دانند با خبر خواهی کرد. (سوره یوسف آیت 15)

2.3.2. حضرت موسی (ع)

چو عیسی همچو طفل روزافزون چو موسی کید کفر و دشمن دون (اسعد گرگانی، 1337: 386)

در مصرع دوم چو موسی کید کفر و دشمن دون اشاره است به تلمیح قرآنی:

ادْهَبْ إِلَى فِرْعَوْنَ إِنَّهُ طَغَى.

ترجمه: به سوی فرعون برو که وی سر برداشته است. (سوره نازعات آیت 17)

2.3.3. حضرت عیسی (ع)

چو عیسی هم ز گهواره سخنگوی چو موسی هم به خردی داوری جوی (اسعد گرگانی، 1337: 386)

حضرت عیسی (ع) وقتی در بغل مادر بودند و حد اکثر سن شان سه روز بود آن زمان با مردم حرف زدند. مصرع اول شعر در اصل اشاره دارد به آیه قرآن ذیل

إِذْ قَالَ اللَّهُ يَا عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ اذْكُرْ نِعْمَتِي عَلَيْكَ وَعَلَىٰ وَالِدَتِكَ إِذْ أُتِيتُكَ بِرُوحِ الْقُدُسِ نُكَلِّمُ النَّاسَ فِي الْمَهْدِ وَكَهْلًا وَإِذْ عَلَّمْتُكَ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَالتَّوْرَةَ وَالْإِنْجِيلَ وَإِذْ تَخْلُقُ مِنَ الطِّينِ كَهَيْئَةِ الطَّيْرِ بِإِذْنِي فَتَنفُخُ فِيهَا فَتَكُونُ طَيْرًا بِإِذْنِي وَتُبْرِئُ الْأَكْمَةَ وَالْأَبْرَصَ بِإِذْنِي وَإِذْ تُخْرِجُ الْمَوْتَىٰ بِإِذْنِي وَإِذْ كَفَفْتُ بَنِي إِسْرَائِيلَ عَنْكَ إِذْ جِئْتَهُم بِالْبَيِّنَاتِ فَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْهُمْ إِنْ هَذَا إِلَّا سِحْرٌ مُبِينٌ.

ترجمه: [یاد کن] هنگامی را که خدا فرمود ای عیسی پسر مریم نعمت مرا بر خود و بر مادرت به یاد آور آنگاه که تو را به روح القدس تأیید کردم که در گهواره [به اعجاز] و در میانسالی [به وحی] با مردم سخن گفتی و آنگاه که تو را کتاب و حکمت و تورات و انجیل آموختم و آنگاه که به اذن من از گل [چیزی] به شکل پرنده می ساختی پس در آن می دمیدی و به اذن من پرنده ای می شد و کور مادرزاد و پیس را به اذن من شفا می دادی و آنگاه که مردگان را به اذن من [زنده از قبر] بیرون می آوردی و آنگاه که [آسیب] بنی اسرائیل را هنگامی که برای آنان حجت‌های آشکار آورده بودی از تو باز داشتم پس کسانی از آنان که کافر شده بودند گفتند این [چیزی] جز افسونی آشکار نیست. (سوره مائده آیت 110)

2.3.4. حضرت نوح (ع)

حضرت نوح (ع) نهصد و پنجاه سال به مردم تبلیغ دین کردند اما وقتی دیدند که قوم دعوت دین حق را قبول نمی کند به آنها لعنت کردند که در نتیجه عذاب طوفان به سراغشان آمد. خداوند متعال بر قوم او عذاب فرستاد و از او خواست که یک کشتی بسازد و مؤمنان را در آن قرار دهد و از هر پرنده یک جفت هم در کشتی قرار دهد. سپس عذاب به صورت طوفان در آمد و همه مردم هلاک شدند جز کسانی که در کشتی حضرت نوح (ع) سوار بودند. (برگرفته از هاشمی، 2003: 17-34)

شعرهای زیر اشاره به همین داستان قرآنی دارند که همراه آیه های مربوط ذکر می شوند.

اگر جان هزاران نوح دارم
یکی جان را ازو بیرون نیارم (اسعد گرگانی،
1337: 230)

وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا نُوحًا إِلَىٰ قَوْمِهِ فَلَبِثَ فِيهِمْ أَلْفَ سَنَةٍ إِلَّا خَمْسِينَ عَامًا فَأَخَذَهُمُ الطُّوفَانُ وَهُمْ ظَالِمُونَ.

ترجمه: و به راستی نوح را به سوی قومش فرستادیم پس در میان آنان نهصد و پنجاه سال درنگ کرد تا طوفان آنها را در حالی که ستمکار بودند فرا گرفت. (سوره عنکبوت آیت 14)

دلش بریان و آن دو دیده گریان
چو تنوری کزو بر خاست طوفان (اسعد گرگانی، 1337:
102)

مصرع دوم اشاره است به طوفان نوح:

حَتَّىٰ إِذَا جَاءَ أَمْرُنَا وَفَارَ التَّنُّورُ قُلْنَا احْمِلْ فِيهَا مِنْ كُلِّ زَوْجَيْنِ اثْنَيْنِ وَأَهْلَكَ إِلَّا مَنْ سَبَقَ عَلَيْهِ الْقَوْلُ وَمَنْ آمَنَ وَمَا آمَنَ مَعَهُ إِلَّا قَلِيلٌ.

ترجمه: تا آنگاه که فرمان ما در رسید و تنور فوران کرد فرمودیم در آن [کشتی] از هر حیوانی یک جفت با کسانت مگر کسی که قبلاً در باره او سخن رفته است و کسانی که ایمان آورده اند حمل کن و با او جز [عده] اندکی ایمان نیاورده بودند (سوره هود آیت 40)

2.4. مضامین مربوط به اخلاق حسنه

2.4.1. مکافات عمل

یکی از معادلات قرآنی مکافات عمل است که هر طور کسی می کند با او همان طور می شود، به الفاظ دیگر می توان گفت نیکی پاداش نیکی دارد و بدی مکافات بدی دارد. این مفهوم در ویس و رامین اینگونه مطرح شده است:

بدان را بد بود روزی سرانجام
بماند نامشان جاوید بد نام
مکن بد در جهان و بد میندیش
کجا گر بد کنی بد آیدت پیش (اسعد گرگانی،
1337: 376)

چرا زشتی کنم زشتی سگالم
که از زشتی بود روزی و بالم (اسعد گرگانی،
1337: 114)

شعرهای فوق اشاره دارند به آیات قرآنی چون:

هَلْ جَزَاءُ الْإِحْسَانِ إِلَّا الْإِحْسَانُ.

ترجمه: مگر پاداش احسان جز احسان است (سوره رحمن آیت 60)

وَجَزَاءُ سَيِّئَةٍ سَيِّئَةٌ مِّثْلُهَا فَمَنْ عَفَا وَأَصْلَحَ فَأَجْرُهُ عَلَى اللَّهِ إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الظَّالِمِينَ.

ترجمه: و جزای بدی مانند آن بدی است پس هر که درگذرد و نیکوکاری کند پاداش او بر [عهده] خداست به راستی او ستمگران را دوست نمی دارد (سوره شوری آیت 40)

إِنْ أَحْسَنْتُمْ أَحْسَنْتُمْ لِأَنْفُسِكُمْ وَإِنْ أَسَأْتُمْ فَلَهَا فَإِذَا جَاءَ وَعْدُ الْآخِرَةِ لِيَسُوءُوا وُجُوهَكُمْ وَلِيَدْخُلُوا الْمَسْجِدَ كَمَا دَخَلُوهُ أَوَّلَ مَرَّةٍ وَلِيُتَبِّرُوا مَا عَلَوْا تَتْبِيرًا.

ترجمه: اگر نیکی کنید به خود نیکی کرده اید و اگر بدی کنید به خود [بد نموده اید] و چون تهدید آخر فرا رسد [بیبایند] تا شما را اندوهگین کنند و در معبد [تان] چنانکه بار اول داخل شدند [به زور] درآیند و بر هر چه دست یافتند یکسره [آن را] نابود کنند (سوره اسراء آیت 7)

2.4.2. اکرام و تکریم پدر و مادر

اکرام و تکریم و عزت والدین موضوعی است که در فرهنگ و دین اسلام جایگاه ویژه ای دارد و این موضوع در کتب خیلی زیاد دیده می شود و به مسلمانان به این موضوع خیلی زیاد سفارش شده است.

به نامه گفته بود ای جان مادر
بهشت و دوزخت فرمان مادر
ز فرمانم نگر تا سر نتابی
که از دادار جز دوزخ نیابی (اسعد گرگانی،
1337: 158)

شعر بالایی اشاره دارند به:

وَقَضَىٰ رَبُّكَ أَلَّا تَعْبُدُوا إِلَّا إِيَّاهُ وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا إِمَّا يَبْلُغَنَّ عِنْدَكَ الْكِبَرَ أَحَدُهُمَا أَوْ كِلَاهُمَا فَلَا تَقُلْ لَهُمَا أُفٍّ وَلَا تَنْهَرُهُمَا وَقُلْ لَهُمَا قَوْلًا كَرِيمًا.

ترجمه: و پروردگار تو مقرر کرد که جز او را پرستید و به پدر و مادر [خود] احسان کنید اگر یکی از آن دو یا هر دو در کنار تو به سالخوردگی رسیدند به آنها [حتی] اوف مگو و به آنان پرخاش مکن و با آنها سخنی شایسته بگوی (سوره اسراء آیت 23)

2.4.3. حسن خلق

حُسن خلق ترکیب اضافی به معنای نرم‌خویی و خوش‌گفتاری و گشاده‌رویی در برخورد با دیگران است. (نراقی، 1385: 373)

یا می‌توان به الفاظ دیگر اینگونه تعریف کرد:

اعتدال در قوای عقلی و غضبی و شهوانی که درون فرد را از انوار افاضات علوم و معارف الهی، درخشان و اعضای او را به طاعات و وظایف مشغول می‌کند. این حالت درونی با علاماتی همچون معاشرت نیکو با مردم و بروز صفاتی مانند خوش‌برخوردی، محبت، راستی و... شناخته می‌شود. در این معنی، حُسن خلق تابع استقامت تمام اعضای ظاهری و باطنی و زیبایی صورت درونی انسانی در اثر این تناسب اخلاقی است.

سخن آن گوچه با دشمن چه با دوست
که هر کو بشنود گوید که نیکوست (اسعد گرگانی، 1337: 142)

شعر فوق اشاره است به:

وَإِذْ أَخَذْنَا مِيثَاقَ بَنِي إِسْرَائِيلَ لَا تَعْبُدُونَ إِلَّا اللَّهَ وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا وَذِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسَاكِينِ وَقُولُوا لِلنَّاسِ حُسْنًا وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ ثُمَّ تَوَلَّيْتُمْ إِلَّا قَلِيلًا مِّنْكُمْ وَأَنتُمْ مُّعْرِضُونَ.

ترجمه: و چون از فرزندان اسرائیل پیمان محکم گرفتیم که جز خدا را نپرستید و به پدر و مادر و خویشان و یتیمان و مستمندان احسان کنید و با مردم [به زبان] خوش سخن بگویید و نماز را به پا دارید و زکات را بدهید آنگاه جز اندکی از شما [همگی] به حالت اعراض روی برتافتید (سوره بقره آیت 83)

يَا نِسَاءَ النَّبِيِّ لَسْتُنَّ كَأَحَدٍ مِّنَ النِّسَاءِ إِنِ اتَّقَيْتُنَّ فَلَا تَخْضَعْنَ بِالْقَوْلِ فَيَطْمَعَ الَّذِي فِي قَلْبِهِ مَرَضٌ وَقُلْنَ قَوْلًا مَّعْرُوفًا.

ترجمه: ای همسران پیامبر شما مانند هیچ يك از زنان [دیگر] نیستید اگر سر پروا دارید پس به ناز سخن مگویید تا آنکه در دلش بیماری است طمع ورزد و گفتاری شایسته گویند (سوره احزاب آیت 32)

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَقُولُوا قَوْلًا سَدِيدًا.

ترجمه: ای کسانی که ایمان آورده اید از خدا پروا دارید و سخنی استوار گویند (سوره احزاب آیت 70)

2.4.4. اجتناب از حسودی

حسد به معنای آرزوی نابودی نعمت‌ها و داشته‌های دیگران و خواستن نعمت فقط برای خود است. (ارسطو، 1378: 71)

وجود این خصلت در شخص گاه با تلاش برای نابودی داشته‌های دیگران همراه می‌شود. (یحیی بن عدی، 1365: 19)

حسودان را حسد بردن چه باید به هر کسی آن دهد یزدان که شاید (اسعد گرگانی، 1337: 161)

این موضوع از آیه ذیل گرفته شده است:

أَمْ يَحْسُدُونَ النَّاسَ عَلَى مَا آتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ فَقَدْ آتَيْنَا آلَ إِبْرَاهِيمَ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَآتَيْنَاهُمْ مُلْكًا عَظِيمًا.

ترجمه: بلکه به مردم برای آنچه خدا از فضل خویش به آنان عطا کرده رشک می‌ورزند در حقیقت ما به خاندان ابراهیم کتاب و حکمت دادیم و به آنان ملکی بزرگ بخشیدیم (سوره نسا آیت 54)

2.5. مضامین مربوط به باورهای دینی

2.5.1. تخلیق آدم از گل

خداوند منان انسان را از گل آفریده است و سرشت آدم همان خاک است. اسعد گرگانی در منظومه ویس و رامین به این موضوع اینگونه پرداخته است:

اگر چه همچو ما از گل سرشتست به دیدار و به کردار او فرشتست (اسعد گرگانی، 1337: 17)

به گوهر نه خدایی نه فرشته یکی ای همچو ما از گل سرشته (اسعد گرگانی، 1337: 115)

شعرهای فوق از تلمیح قرآنی از آیه‌های ذیل هستند:

وَلَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ مِنْ سُلَالَةٍ مِنْ طِينٍ.

ترجمه: و به یقین انسان را از عصاره‌ای از گل آفریدیم (سوره مومنون آیت 12)

2.5.2. منظره روز جزا

روز جزا، روز قیامت و روز آخرت همان روزی است که پاداش اعمال انسان را داده می‌شود. کسی که در این دنیا اعمال نیک را بیشتر انجام داده است پاداشش بهشت و کسی که در این دنیا اعمال بد را بیشتر انجام داده پاداشش دوزخ می‌باشد و شاعر این منظره روز آخرت را در شعر اینگونه می‌سراید:

مصاف جنگ و بیم جان چنان شد که رستاخیز مردم را عیان شد

برادر از برادر گشت بیزار بجز کردار خود کس را نبد یار (اسعد گرگانی، 1337: 46)

شاعر باور دینی روز جزا و همکاری نکردن مردم با یکدیگر حتی فامیل را از آیه ذیل الهام گرفته است:

يَوْمَ يَفِرُّ الْمَرْءُ مِنْ أَخِيهِ. وَأُمِّهِ وَأَبِيهِ. وَصَاحِبَتِهِ وَبَنِيهِ. لِكُلِّ امْرِئٍ مِنْهُمْ يَوْمَئِذٍ شَأْنٌ يُغْنِيهِ.

ترجمه: روزی که آدمی از برادرش. و از مادرش و پدرش. و از همسرش و پسرانش می‌گریزد. در آن روز هر کسی از آنان را کاری است که او را به خود مشغول می‌دارد. (سوره عبس آیات 34 تا 37)

2.5.3. شکایت و بی‌ثباتی روزگار

شاعران، عارفان، صوفیان خیلی زیاد این مطلب را بیان می‌کنند و شکایت از بی‌ثباتی روزگار می‌کنند. اسعد گرگانی هم در شعرش این موضوع را اینطور پرداخته است:

جهان را کارها چونین شگفتست خنک آن کس کزو عبرت گرفتست

نماید چند بازی بلعجب وار پس آنگه نه طرب ماند نه تیمار

نگر تا از بلای او ننالی که گر نالی ز ناله بر محالی

نگر تا از هوای او ننازی که گر نازی ز نازش بر مجازی (اسعد گرگانی، 1337: 156)

و

چنین باشد دل فرزند آدم نیارد یاد رفته شادی و غم

بدان روزی که از تو شد چه نالی وز آن روزی که نامد چه سگالی

چه باید رفته را اندوه خوردن همان نابوده را تیمار بردن

نه ز اندوه تو دی با تو بیاید نه از تیمار تو فردا بیاید (اسعد گرگانی، 1337: 219)

موضوعی نامبرده از آیه ذیل برگرفته شده است:

لِكَيْلًا تَأْسَوْا عَلَىٰ مَا فَاتَكُمْ وَلَا تَفْرَحُوا بِمَا آتَاكُمْ وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ كُلَّ مُخْتَالٍ فَخُورٍ.

ترجمه: تا بر آنچه از دست شما رفته اندوهگین نشوید و به [سبب] آنچه به شما داده است شادمانی نکنید و خدا هیچ خودپسند فخر فروشی را دوست ندارد. (سوره حدید آیت 23)

3. نتیجه:

بررسی منظومه عاشقانه ویس و رامین فخرالدین اسعد گرگانی نشان می‌دهد که این شاعر مسلمان در بسیاری از اشعار خود به وجوه گوناگون مضامین دینی- عرفانی اشاره کرده است که بخش عمده‌ای از این اشارات را می‌توان در قالب انواع تلمیحات قرآنی طبقه‌بندی نمود. در میان اشارات و تلمیحات قرآنی اسعد گرگانی مربوط

به خداوند منان، حضرت ختمی مرتبت (ص)، اخلاق حسنه، باورهای دینی مورد توجه قرار گرفته و بیشتر بر خصوصیات معنوی، فضائل و مکارم اخلاقی و آموزه‌های اجتماعی تأکید شده است. افزون بر این‌ها، اشاره به معنودى از معجزات و کرامات حضرت ختمی مرتبت، انبیاء الهی در اشعار فخرالدین گرگانی دیده می‌شود. از مهم‌ترین مضامین طرح شده با محوریت آموزه‌های دینی- عرفانی رحمانیت خداوند، پیروی و اطاعت از خداوند، نعت رسول اکرم (ص)، ذکر انبیاء چون حضرت یوسف (ع)، حضرت موسی (ع)، حضرت عیسی (ع)، حضرت نوح (ع) و معجزات آنها و همچنین اخلاقیات مانند: اکرام و عزت والدین، حسن خلق، اجتناب از حسادت، مکافات عمل و باورهای دینی- عرفانی مهم چون: تخلیق آدم از گل و خاک، روز جزا در کتاب ویس و رامین بدان تفصیلی پرداخته است. در کنار اشارات فوق در ویس و رامین چندین شعر طولانی و کوچک درباره صفات ثبوتیه و صلیبیه خداوند هم وجود دارد که اغلب ابیات آن‌ها در بردارنده تلمیحات و اشاراتی به ذات خداوند می‌باشد.

منابع:

- ##- قرآن مجید. ترجمه محمد مهدی فولادوند.
- ##- ارسطو. (1378). *اخلاق نیکوماخوسی*؛ ترجمه محمد حسین لطفی تبریزی، ج ۱، تهران. طرح نو.
- ##- اسعد گرگانی، فخرالدین. (1337). *ویس و رامین*؛ تصحیح محمد جعفر محبوب. تهران، بنگاه نشر اندیشه.
- ##- حکیمیان، ابوالفتح (1357). *فهرست مشاهیر ایران*. ج 2، تهران: دانشگاه ملی ایران.
- ##- زرین کوب، عبدالحسین (1350). *با کاروان حله*. تهران: ابن سینا.
- ##- صفا، ذبیح‌الله (1347). *تاریخ ادبیات در ایران*. ج 2، تهران: ابن سینا
- ##- فروزانفر، بدیع الزمان (1350). *سخن و سخنوران*. تهران: خوارزمی.
- ##- محبوب، محمدجعفر (1337). *مقدمه بر ویس و رامین*. تهران: نشر اندیشه.
- ##- نراقی، مهدی بن ابی زر. (1385). *علم اخلاق اسلامی* ترجمه کتاب جامع السعادات؛ ترجمه سید جلال الدین مجتبوی، ج ۱، تهران، حکمت.
- ##- هاشمی، عبدالمنعم. (2003). *معجزات الانبیاء (انبیائے کرام کے حیرت انگیز معجزات)*؛ ترجمه لجنه المصنفین لاهور، لاهور، بیت العلوم.
- ##- یحیی بن عدی، ابو زکریا. (1365). *تهذیب الاخلاق*؛ ترجمه محمد دامادی. ج ۱، تهران، موسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.